

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسمه تعالی

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای یاسر خدّام خراسانی تحت عنوان «مشارکت اجتماعی اقلیت دینی آرامنه در امر مدیریت محله»، پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تایید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استاد	حلال‌الدین رشیدی	۱- استاد راهنما
	استاد	امید خراسانی	۲- استاد مشاور
	استاد	حسین علی خدّام رشیدی	۳- استاد ناظر (داخلی)
	استاد	حسین رشیدی	۴- استاد ناظر (خارجی)
	استاد	حسین علی خدّام رشیدی	۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت

### مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می‌باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.



بسمه تعالی

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی-پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله)ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر نشر آثار علمی دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

“ کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته ..... است که در سال ..... در دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/ جناب آقای دکتر ..... مشاوره سرکار خانم/ جناب آقای دکتر ..... و مشاوره سرکار خانم/ جناب آقای دکتر ..... از آن دفاع شده است”

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به دفتر نشر آثار علمی دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

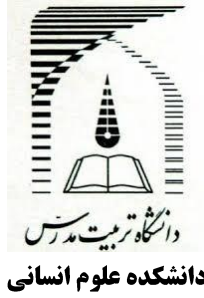
ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند، به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب ... به سر ضابطه ... دانشجوی رشته ... مقطع کارشناسی ارشد/ دکتری ... تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: یا سر ظلام خراسانی

تاریخ و امضاء:

۱۳۹۳/۷/۲۳



پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی

## مشارکت اجتماعی اقلیت دینی آرامنه در امر مدیریت محله (مطالعه موردی محله زرکش)

یاسر خدّام خراسانی

استاد راهنما: جلال الدین رفیع فر

استاد مشاور: دکتر امیلیا نرسیسیانس

خردادماه ۱۳۹۲

## چکیده:

در چند دهه ی اخیر از مشارکت اجتماعی بعنوان یکی از عوامل موثر در توسعه یاد شده است. توسعه ی مثبت و پایدار در شهرها، وابسته به مشارکت شهروندان در امور محله و شهر خویش است. با توجه به تنوع قومیتی، دینی و مذهبی ای که در شهر تهران وجود دارد، چگونگی مشارکت جویی و مشارکت دهی اقلیت های دینی در امور محله و شهر خویش یکی از سوالات جامعه شناسانه ای است که قابلیت طرح دارد. اقلیت دینی ارمنی در هشتاد سال اخیر بطور برجسته در چندین محله ی تهران مستقر شده اند و در این تحقیق سعی شده است با استفاده از شیوه ی تحقیقات کیفی و روش تئوری زمینه ای، در مورد چگونگی مشارکت ارمنه در امور مدیریتی محله زرکش و عوامل تسهیل کننده و موانع آن به بحث پردازیم. در این پژوهش به قصد بالا بردن بازده نظری از شیوه نمونه گیری نظری استفاده شده است و با بیست نفر از ارمنه در مورد موضوع مورد مطالعه مصاحبه به عمل آمد.

نتایج تحقیق نشان می دهد که تفاوت های نسبی هنجاری و ارزشی بین ارمنه و جامعه ی اکثریت، برخورداری از مدارس و انجمن های خاص ارمنه در کشورمان و برخی محرومیت هایی که در سطح جامعه اکثریت برای آنان وجود دارد، باعث شده است که ارمنه تبدیل به اقلیتی منزوی و درون گرا در جامعه شوند. آنان دارای گروه ها و سازمان های غیر دولتی ارمنی در ایران هستند و مدارس و کلیساهای خاص ارمنه را در اختیار دارند؛ که این امر سبب شده است آنان در درون گروه دینی و قومیتی خویش مشارکت بالایی داشته باشند اما در مواجهه با جامعه ی اکثریت همچنان کناره گیری را ترجیح دهند و بی اعتمادی میان آنان و جامعه اکثریت، دیواری نامرئی بوجود آورده است. از طرفی شهرداری که مدیریت شهری در ایران تا حد زیادی بر عهده اوست و داعیه ی برگزیدن رویکرد اجتماعی - فرهنگی در مواجهه با مسائل شهری دارد، سعی نموده از نمایندگان شورای محلی در مدیریت امور محله ها استفاده کند. اما به نظر می رسد که برای جلب بیشتر اعتماد و مشارکت ارمنه در محله زرکش، علاوه بر استفاده از نمایندگان ارمنه در شورای محلی نیاز به ساز و کار دیگری نیز داشته باشد. استفاده از رابطه ها و کارشناسان اجتماعی - فرهنگی ارمنی در سازمان شهرداری در جهت شناختن بیشتر فرهنگی - اجتماعی این اقلیت و برقراری ارتباط صحیح با آنان و دخیل کردن بیش از پیش آنان در مدیریت امور محله شان لازم و ضروری به نظر می آید.

کلمات کلیدی: مشارکت، مدیریت محله، اقلیت دینی، قومیت، اعتماد.

## فهرست مطالب

۱	فصل اول (مقدمه و کلیات طرح تحقیق).....
۲	۱-۱ بیان مساله .....
۵	۲-۱ آمار و اطلاعات در مورد برخی وجوه مشارکت اقلیت ارامنه.....
۷	۳-۱ ضرورت تحقیق .....
۱۰	۴-۱ اهداف تحقیق .....
۱۰	۵-۱ سوالات تحقیق .....
۱۰	۱-۵ پرسش آغازین تحقیق.....
۱۰	۲-۵ پرسش‌های فرعی .....
۱۲	فصل دوم (پیشینه تجربی و نظری تحقیق).....
۱۳	۱-۲ پیشینه تجربی .....
۱۴	۲-۲ مبانی نظری تحقیق .....
۱۴	۱-۲-۲ تاریخچه و تعریف شهرداری .....
۱۷	۲-۲-۲ مشارکت .....
۲۰	۳-۲-۲ طیف بندی مشارکت از عدم مشارکت تا مشارکت کامل .....
۲۴	۴-۲-۲ اعتماد و مشارکت .....
۳۵	۵-۲-۲ نظریه‌های روابط بین قومی .....
۴۰	۶-۲-۲ زمینه‌های مشارکت در امر مدیریت امور محله .....
۴۲	فصل سوم (مواد و روش انجام تحقیق).....
۴۳	۱-۳ نوع تحقیق .....
۴۴	۲-۳ رعایت نکات اخلاقی در این پژوهش .....
۴۴	۳-۳ معرفی واحد مشاهده و تحلیل و معرفی جامعه‌ی مورد مطالعه .....
۴۵	۴-۳ شیوه نمونه گیری و حجم نمونه .....
۴۶	۵-۳ ابزار گردآوری داده ها .....
۴۶	۶-۳ معرفی روش تحلیل داده‌ها .....
۴۷	فصل چهارم (یافته‌های تحقیق).....

۴۸	۱-۴ قومیت آرامنه و مولفه‌های قومیتی آنان
۵۸	۲-۴ وضعیت اجتماعی آرامنه در ایران
۶۹	۳-۴ شناخت محله زرکش
۷۲	۴-۴ مشارکت برون‌گروهی آرامنه
۷۵	۵-۴ تسهیلات شهرداری برای جلب مشارکت ساکنان محلات
۷۷	۶-۴ مطالبات مردم محله‌ی زرکش و شورایاران از شهرداری
۸۱	۷-۴ در نظر گرفتن تفاوت فرهنگی در تخصیص امکانات محلی و برنامه‌ریزی‌های محلی در محله‌ی زرکش
۸۴	۸-۴ اعتماد نسبت به سازمان شهرداری و عوامل محلی آن
۹۰	۹-۴ سرای محله و امکانات آن برای جلب مشارکت شهروندان
۹۴	۱۰-۴ احساس تبعیض در میان مردم و شورایاران ارمنی در محله‌ی زرکش
۹۶	۱۱-۴ باشگاه‌ها و انجمن‌های آرامنه در محله‌های ارمنی نشین و نقش آن در مدیریت محله
۱۰۰	۱۲-۴ نقش رسانه‌های ارمنی در ترویج مشارکت در امور شهری
۱۰۱	<b>فصل پنجم (نتیجه‌گیری و پیشنهادات)</b>
۱۰۲	۱-۵ نتیجه‌گیری
۱۰۹	۲-۵ پیشنهادات
۱۱۱	فهرست مراجع و منابع

## فهرست اشکال جداول

۱۵	شکل (۱-۲): نمودار سیستمی شهرداری در تهران
۱۸	شکل (۲-۲): ساخت اجتماعی مشارکت (موسوی، ۱۳۹۱:۴۷)
۲۱	شکل (۳-۲): نردبان مشارکت آرنشتاین (۱۹۶۹)
۲۱	شکل (۳-۲): نردبان مشارکت آرنشتاین (۱۹۶۹)
۵۲	شکل (۱-۴): چارت حکومت داخلی آرامنه
۶۵	جدول (۱-۴): آمار دانش‌آموزان ارمنی در تهران بین سال‌های ۵۹ تا ۸۶



# فصل اول

مقدمه و کلیات طرح تحقیق

## ۱-۱ بیان مساله

مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌ای که در آن ساکن هستند یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاران و مدیران شهری به حساب می‌آید. مروری بر دو دیدگاه شهرگرایی جدید و حاکمیت شهری خوب نشان می‌دهد که امروزه شهرها را نمی‌توان مانند گذشته تنها در قالب مدیریت‌های بوروکراتیک سنتی اداره کرد. پیچیدگی‌های زندگی شهری امروز و نیاز مدیریت شهری به همکاری و مشارکت شهروندان در اداره امور واقعیاتی هستند که ما را به بازخوانی دیدگاه‌های نظری و اصلاح رویه‌های اداری موجود و جلب مشارکت و اعتماد شهروندان فرا می‌خوانند. «محله به عنوان یک مکان کالبدی و اجتماعی که قابلیت انجام کنش‌های جمعی و سازمان‌یافتگی مردم را دارد، می‌تواند شرایط مناسبی را برای افزایش مشارکت مردم و استفاده از توان جمعی آن‌ها فراهم آورد (ضیائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹)».

«بطور کلی مفهوم مشارکت در دنیای جدید از دهه ۱۹۷۰ به بعد است که در ادبیات توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد... و در ابعاد متنوع، چندگانه و در عین حال پویا و متحول خود و به عنوان فرایندی عمیق و چند سویه در اشکال غایتی و ابزاری در فرایند توسعه مورد بررسی و کاوش قرار می‌گیرد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۱)».

در واقع افزایش توجه و تاکید مجامع بین‌المللی به نقش مشارکت در امر برنامه‌ریزی و توسعه، دامنه‌ی تحقیقات و بررسی‌های مربوط به فرایند مشارکت و ابعاد و سطوح مختلف آن در زمینه‌های مختلف را نیز گسترش داد (پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۰: ۵۵)».

به نظر اولسن<sup>۱</sup> نظریه‌ی مشارکت اجتماعی حاصل ایده‌ی گسترده‌ی کثرت‌گرایی اجتماعی است که نظریه پردازانی چون توکویل<sup>۲</sup> (۱۹۶۱)، ترومن<sup>۳</sup> (۱۹۵۱)، دال (۱۹۵۶)، لیپست<sup>۴</sup> و دیگران (۱۹۵۶)، کورنئوزر<sup>۵</sup> و نیزت<sup>۶</sup> (۱۹۶۲) توسعه داده‌اند. به نظر او نظریه مشارکت در قالب دو مفهوم بسیج و واسطه بودن به منزله‌ی پیش‌شرط و زمینه‌ی مشارکت سیاسی مورد بحث قرار گرفته است (اولسن، ۱۹۷۲، به نقل از غفاری، ۱۳۸۰: ۵). آنچه به صورت عام مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته اندیشه‌های مربوط به دموکراسی است که مهمترین تاثیر را، به لحاظ

---

<sup>۱</sup> Olsen

<sup>۲</sup> Toqueville

<sup>۳</sup> Dahl

<sup>۴</sup> Lipset

<sup>۵</sup> Kornhauser

<sup>۶</sup> Nisbet

فکری، در گسترش نظریه‌ی مشارکت اجتماعی داشته‌اند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۶). میجلی<sup>۷</sup> که معتقد به الهام بخشی و تاثیر اندیشه‌های مربوط به دموکراسی، که از حق شهروندی در تصمیم‌گیری بحث می‌نمایند، بر نظریه‌ی مشارکت است، بر این عقیده است که «الهام نظریه مشارکت اجتماعی از مباحث مربوط به دموکراسی مبتنی بر ایده‌های کلاسیک دموکراسی نمایندگی نبوده بلکه مبتنی بر تحول جدید در نظریه‌ی دموکراسی یعنی نظریه‌ی لیبرال دموکراسی است که به عنوان دموکراسی محله‌ای شناخته می‌شود. در حقیقت بسیاری از طرفداران و مفسران مشارکت اجتماع محلی نسبت به دموکراسی نمایندگی و امکان آن برای فراهم کردن فرصت‌های واقعی برای دخالت توده‌ها در امور سیاسی کشورهای در حال توسعه شک دارند. در نتیجه با الهام از نظریه‌ی دموکراسی محله‌ای از ایجاد نهادهایی در مقیاس کوچک برای تحقق آرمان‌های سیاسی در روستاها و محله‌های شهری جهان سوم طرفداری نمودند (میجلی، ۱۹۸۶ به نقل از از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۷)».

مددکاری اجتماعی و رادیکالیسم محلی در الهام بخشی به نظریه‌ی مشارکت بی‌تاثیر نبوده‌اند؛ اگرچه مددکاری اجتماعی مربوط به مسائل افراد نیازمند و خانواده‌هایشان می‌شود لیکن تاکید عمده‌اش بر سازماندهی و بسیج مردم برای بهبود تسهیلات محلی و خدمات اجتماعی است. رادیکالیسم محلی چون فعالیت‌های آلینسکی در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در شیکاگو که مردم محلی را به یاری سازمان‌های محلی موجود بسیج می‌کرد و به آنها استفاده از شیوه‌های مختلف مواجهه با سازمان‌های دولتی و منافع تجاری مربوط به آنها را آموزش می‌داد، نیز موثر بر نظریه‌ی مشارکت اجتماعی بوده‌اند (میجلی، ۱۹۸۶، به نقل از همان).

تلاش سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و به خصوص انتشار آثاری چون، مشارکت همگانی در توسعه در سال ۱۹۷۱، که مروری بر ظهور ایده‌ی مشارکت با عطف به برنامه عمران محلی در جهان سوم بود و کتاب مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری برای توسعه در ۱۹۷۵، که از چگونگی اجرای مشارکت بحث می‌نماید و نیز تلاش علمی «موسسه پژوهش برای توسعه‌ی اجتماعی وابسته به سازمان ملل» و نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و تلاش‌های یونیسف، یونسکو و سازمان‌های غیر دولتی در سطوح بین‌المللی و ملی در تطوّر و بسط اندیشه‌های مربوط به مشارکت نقش داشته‌اند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۷).

«در واقع مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده و با ابعادی وسیع می‌باشد. آن متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا جمعی برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطوح پایین‌تر (شهرداری،

---

<sup>۷</sup> Midgely

نظام آموزشی و ...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری اجرایی و قضایی) است. بنابراین مشارکت اجتماعی به معنای وسیع کلمه در برگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴). بنابراین می‌توان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری در سطح محله‌ها را نوعی از مشارکت اجتماعی محسوب داشت که مردم محلی از طریق انتخاب نمایندگان شورایاری و از طرق دیگر این قابلیت را ایجاد می‌کنند که بر تصمیمات مدیران شهری در شهرداری تاثیر بگذارند و در جهت منافع محلی گام بردارند. این مشارکت می‌تواند از طریق گروه‌های فعال در سطح محله و یا بصورت فردی اتفاق بیفتد. لازم به ذکر است قصد محقق از بررسی مشارکت اجتماعی در زمینه مدیریت شهری تقلیل مشارکت اجتماعی به این مورد خاص نبوده و این امر بمنظور مشخص شدن مرزهای موضوع مورد مطالعه بوده است.

شهرداری در طی چند سال اخیر بطور نسبی سعی داشته است که از مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور محله‌شان سود ببرد؛ «هرچند که از نظر هانتینگتون و نلسون<sup>۸</sup>، در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی بطور اعم و مشارکت سیاسی بطور اخص، فی نفسه هدف محسوب نمی‌شود و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها، یا محصول جانبی توسعه بطور کلی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۶۳)»، اما می‌بایست توجه داشت که این خود نیز نکته‌ای مثبت در روند دموکراتیک‌سازی تصمیم‌گیری‌ها در عرصه عمومی جامعه و گامی در جهت توسعه پایدار محسوب می‌شود؛ بنابراین تلاش در جهت تقویت این نوع از تصمیم‌گیری‌ها و محول کردن اداره امور محله‌ها به شهروندان به توانمندسازی آنان در جهت مشارکت‌های بیشتر در سطوح بالاتر کمک می‌کند؛ در سطح شهرداری نیز چه بسا طرح‌هایی که بدون انجام نظرسنجی و مشارکت شهروندان و در نظر گرفتن زمینه‌ی اجتماعی محلات در گذشته به اجرا درآمده‌اند و محکوم به شکست شدند و بودجه بسیاری بدون نتیجه از دست رفت.

مسئله مهم در مورد مشارکت شهروندان محله‌های مختلف در شهر تهران، (توجه شود که شهرداری تهران مدعی است سیاست مدیریت محله محور و استفاده از مشارکت مردمی در اداره محله‌شان را پیش گرفته است)، عدم مداخله و یا مداخلاتی ضعیف در این مورد بوده است؛ و در برخی از محله‌ها این نرخ از مشارکت و مداخله در امور محله، در برخی از وجوه آن، از محله‌های دیگر نیز پایین‌تر است بطوریکه همین قضیه در یکی از محله‌های

---

<sup>۸</sup> Huntington & Nelson

شهر تهران نظر محقق این پژوهش را به خود جلب کرده است و سعی در واکاوی این مسئله در بین اهالی این محله دارد.

محله‌هایی در تهران وجود دارند که اکثریت ساکنان‌شان متعلق به یک اقلیت قومی خاص هستند. محله‌ی زرکش واقع در منطقه‌ی ۸ تهران است و اکثریت ساکنانش را اقلیت قومی ارامنه تشکیل می‌دهند و زمینه پژوهشی محقق در این محله قرار دارد.

سابقه‌ی حضور ارامنه در ایران به چند صدسال می‌رسد و حتی بنابر نظر برخی منابع پیوند ایرانیان و ارمنیان پیشینه‌ای سه هزار ساله دارد. منابع رسمی حکایت از وجود نظامیان ارمنی در سپاه ایران طی قرون ششم و هفتم پیش از میلاد دارند و منابع غیر رسمی نیز وجود اجتماعات کوچک صنعتگران و بازرگانان ارمنی در ایران، در همان دوران، را تأیید می‌کنند. ارمنیان ایران به دو گروه بومی و مهاجر تقسیم می‌شوند. گروه اول شامل ارمنیان ساکن استان آذربایجان غربی و قره‌داغ و گروه دوم ماحصل کوچ‌های اجباری و رانده شدن ارمنیان از موطن خود هستند. ارامنه ایران بعد از گذراندن تاریخی پر فراز و نشیب در حال حاضر، بیشتر در سه شهر تهران، اصفهان و تبریز متمرکز و در واحدهای مختلف اقتصادی و سازمان‌ها و مراکز علمی، پژوهشی و هنری کشور مشغول به فعالیت‌اند (ملکی، ۱۳۸۹: ۱۳).

با این پیشینه تاریخی به نظر می‌رسد که اقلیت قومی ارامنه می‌بایست در سطح سایر شهروندان مشارکت اجتماعی (حداقل در اداره‌ی امور محله‌شان داشته باشند) اما در عمل ما مشاهده می‌کنیم که ارامنه در محله زرکش نسبت به شهروندان در محله‌های مجاور، در منطقه ۸ شهرداری، مشارکت اجتماعی کمتری در مدیریت برخی امور محله‌شان دارند. به منظور مطالعه‌ی بهتر مشارکت اجتماعی در محله‌ی زرکش محقق سعی نموده که محله‌ی مجیدیه را نیز که میزان قابل توجهی از ارامنه در آن ساکن هستند به حالت مقایسه با محله‌ی زرکش مورد مقایسه قرار دهد تا زوایای بیشتری در مورد زندگی ارامنه در محله‌ی زرکش مورد شناسایی قرار گیرد.

## ۱-۲ آمار و اطلاعات در مورد برخی وجوه مشارکت اقلیت ارامنه

پیرامون مشارکت اجتماعی مخصوصاً در زمینه مدیریت شهری و مدیریت محله محور آمار و ارقام کمی وجود دارد. یکی از مواردی که می‌تواند معرف مشارکت اجتماعی افراد و گروه‌ها در زمینه اداره‌ی امور محله‌شان

باشد، مشارکت در زمینه‌ی ساخت و ساز بافت فرسوده و مراجعه به دفتر نوسازی محلی (دفتر تسهیل‌گری<sup>۹</sup>) است که با تلاش سازمان نوسازی شهر تهران که یکی از زیر مجموعه‌های شهرداری است، در محله‌هایی که دارای بافت فرسوده‌ی قابل توجهی هستند دائر گشته است. با پیگیری‌های مکرری که انجام شد در زمینه بازسازی بافت فرسوده و مشارکت شهروندان در این حوزه که زیر مجموعه‌ای از مدیریت شهری و مدیریت محله محور هست آشکار شد که در مراجعه منزل به منزلی که از طرف دفتر تسهیل‌گری محله زرکش و وحیدیه برای دعوت شهروندان به نوسازی و ارتباط با آنها انجام شده بود، ارامنه نسبت به سایر محله‌ها ۱۷٪ کمتر جوابگویی مراجعه به درب منزل‌شان بوده‌اند و از بین پاسخگویان به این مراجعه، ارامنه به بطور تقریبی ۴۰٪ کمتر از ساکنان محله‌های مجاور برای مشورت جهت امر نوسازی منازل‌شان به دفتر مربوطه مراجعه کرده‌اند (دفتر تسهیل‌گری محله وحیدیه و زرکش، ۱۳۹۱). محقق سعی نمود که در محله‌های دیگری که ارامنه حضور دارند این بررسی را صورت دهد. در محله‌ی حشمتیه - ارامنه نیز که یکی دیگر از نقاطی است در تهران که ارامنه زندگی می‌کنند مشخص شد که با اینکه حدود ۴۰۰ خانوار ارمنی (حدود یک پنجم جمعیت محله‌ی ارامنه حشمتیه) زندگی می‌کنند (مصاحبه با خانم آنهید میخای مسئول کلیسای وارطان مقدس واقع در ده متری ارامنه)، از هر ده مراجعه‌ای که به دفتر تسهیل‌گری بابت مشاوره‌ی ساخت و ساز توسط مردم انجام شده است فقط یکی از افراد اقلیت ارامنه برای مشاوره جهت نوسازی منزل به آن دفتر مراجعه نموده است (دفتر تسهیل‌گری محله حشمتیه - ارامنه، ۱۳۹۱). البته لازم به ذکر است که دفتر تسهیل‌گری محله‌ی حشمتیه ارامنه نسبت به دفتر تسهیل‌گری محله‌ی زرکش به لحاظ آماری ضعیف‌تر عمل کرده‌اند و آمار مراجعه‌ی منزل به منزل آنها و پاسخگویی ارامنه و مسلمانان به این مراجعه، در گزارش این دفتر ثبت نشده است و تنها مراجعه به دفتر تسهیل‌گری در گزارش این دفتر ثبت شده است. همانطور که مشاهده می‌شود آمار تعداد خانوار ارامنه به صورت زبانی نقل شده است و آمار ثبت شده‌ای پیرامون تعداد خانوار و جمعیت دقیق ارامنه در این محله یافت نشد. اما در مراجعات ثبت شده توسط دفتر تسهیل‌گری این محله نیز مراجعه کمتر ارامنه مشهود است.

با توجه به آمار ارائه شده سعی محقق بر آن است که به واکاوی مشارکت ارامنه در زمینه مدیریت شهری بپردازد و همچنین در پی بررسی تناسب بین زمینه مشارکت فراهم شده از طرف شهرداری در این محله برای اقلیت ارامنه و زمینه‌های فرهنگی این اقلیت در حیطه‌ی مشارکت اجتماعی می‌باشد.

---

<sup>۹</sup> facilitatin

### ۳-۱ ضرورت تحقیق

یکی از مهم‌ترین اهداف جوامع انسانی در عصر حاضر دستیابی به حد مطلوبی از توسعه پایدار است. «یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه پایدار، مشارکت همه جانبه مردم در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی است (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰: ۵۸)». با توجه به این موضوع طبعاً و منطقاً سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف (مانند شهرداری) می‌بایست خواستار مشارکت هرچه بیشتر شهروندان باشند و مشاهده می‌کنیم که این سازمان‌ها نیز داعیه‌ی مردمی بودن و بهره‌گیری از مشارکت مردمی را دارند. بنابراین نیاز است که این امر مورد بررسی قرار بگیرد و در مورد شهرداری هرچند کارهایی در زمینه‌ی بررسی مشارکت مردمی انجام شده است اما نیاز است که در بعضی موارد این پژوهش‌ها با تمرکز بیشتری بر سطوح خرد جامعه (مانند محله‌ها) انجام پذیرد. با توجه به اینکه در میان اقلیت‌های دینی و بطور اخص در میان ارامنه با کمبود کار پژوهشی مواجه هستیم و مشکلات و موانعی که در این زمینه وجود دارد (از جمله وجود دیواره‌ی نامرئی، که ناشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی است، میان شهروندان اقلیت و دیگر شهروندان که باعث دور شدن آنان از یکدیگر می‌شود و ارتباط با آنان را مشکل می‌سازد)، این پژوهش در ابتدا فرصتی برای شناخته شدن بیشتر اجتماعی- فرهنگی ارامنه در محله زرکش را فراهم می‌آورد. در مرحله‌ی بعد موانع مشارکت در بین ارامنه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مشارکت اجتماعی به طور خاصی برای جوامع با تنوع قومی مهم است زیرا ممکن است که به خوبی به عنوان عامل قوام بخش شهروندان به کار برود و در غیر اینصورت امکان دارد این گروه‌ها و باندها بین خط‌های قومی و نژادی تقسیم شوند (استول<sup>۱۰</sup>، ونگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷: ۸۹۸). در حقیقت مشارکت اجتماعی عامل مهمی در تقویت همبستگی در شبکه روابط اجتماعی محسوب می‌شود و همچنین مشارکت اجتماعی عامل مهمی در جهت تعمیق و گسترش روابط بین اعضای جامعه بوده و احساس یگانگی و تسامح و تساهل را در جامعه افزایش می‌دهد (پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۰: ۱۰)؛ و گذشته از این حتی در سطح فردی نیز اثرات مشارکت اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و در مورد آن پژوهش شده و اثر مثبت آن در سلامت ذهن در سنین کهنسالی مورد تایید قرار گرفته است (چیانو<sup>۱۲</sup>، ونگ<sup>۱۳</sup> و باتسلو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱). روابط شهروندی فرصت‌های کاری را برای تحرک اقتصادی تسهیل

<sup>۱۰</sup> Stoll

<sup>۱۱</sup> Wong

<sup>۱۲</sup> Chiao

<sup>۱۳</sup> Weng

<sup>۱۴</sup> Botticello

می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰ به نقل از استول و ونگ، ۲۰۰۷: ۸۸۰)، شهروندان زیادی را برای وارد شدن در تصمیم‌گیری حکومتی تشویق می‌کند (وربا، اسکلوژمن و بردی، ۱۹۹۵ به نقل از همان)، و حتی سلامتی و شادی را در جامعه ارتقا می‌دهد (پاتنام، ۲۰۰۰ به نقل از همان).

شناخت موانع مشارکتی در بین ارامنه و احتمالاً در پی آن بررسی نقاط قوت و ضعف مدیریت شهری در زمینه مواجهه با اقلیت‌های مذهبی و برطرف کردن آنها تا حد امکان می‌تواند همسو با تقویت فضای عمومی میان شهروندان اقلیت و دیگر شهروندان باشد و همچنین امکان ارائه راهکارهایی جهت ترغیب هموطنان اقلیت به مشارکت در اداره‌ی امور محله‌ی خویش و همکاری بین سازمان شهرداری و اقلیت‌ها را فراهم کند. «باید توجه داشت که اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه در دهه‌های اخیر فراگیرتر شده است گردآوری کوچک افراد، کار گروهی مردم، حضور مردم یا نمایندگان آنها در فرایند توسعه و نظارت بر فعالیت‌های عمرانی، بسیج گروه‌های وسیع مردمی برای انجام پروژه‌های خاص، قبول نقش توسط سازمان‌های غیر دولتی در انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، بر عهده گرفتن مدیریت شهری و روستایی توسط شهروندان و غیره از مصادیق مشارکت مردم است (طالب، ۱۳۷۱: ۲۲)».

حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی (حتی در زمینه مدیریت محله) در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه صدر و تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهادهای دموکراتیک و مدنی خواهد انجامید. تعصبات قومی و قبیله‌ای کاهش یافته و سنت‌های ریشه‌دار محلی به سوی عام‌نگری هدایت و در صورت لزوم به سوی هنجارهای دموکراتیک اصلاح خواهند شد (پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۰: ۱۱).

بحث اعتماد و مشارکت اجتماعی، که ما یکی از سطوح پایین آن را در حوزه مدیریت محله بررسی می‌کنیم، اهمیت شایان توجه و کارکردهای متنوعی دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ مشارکت امکان بهره‌مندی از منافع و منابع حاصل از اقدامات و فعالیت‌ها را برای اکثریت فراهم می‌سازد و این امکان را فراهم می‌آورد که صدای عموم به خصوص به حاشیه رانده شدگان به سهولت شنیده شود، از گسترش نابرابری‌ها جلوگیری شود (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۴). در واقع مشارکت اجتماعی به از بین رفتن حاشیه نشینی و انزوای اجتماعی کمک می‌کند و احساس محرومیت اجتماعی را نیز در میان اقلیت‌ها کاهش می‌دهد.



✓ هرگاه فرد در کارهای گروهی فقط نظاره‌گر باشد و به درون کوشش‌های جمعی راه نیابد، توانایی‌های سرشتی وی پرورانده نمی‌شود؛ مشارکت کسانی را که در حاشیه کارها ایستاده‌اند به درون کوشش‌های گروهی می‌کشاند (همان). در واقع با مشارکت است که انسان در زیست جهان خود تبدیل به فاعل می‌شود و از حالت مفعول بودن صرف خارج می‌شود.

✓ هرگاه مردم در مراحل مختلف طرح یا برنامه‌ای مشارکت کنند، آن را متعلق به خود می‌دانند و از آن پشتیبانی می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳).

✓ مطالعات نشان داده است هرگاه به مردم فرصت و امکان بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایشان داده می‌شود تا در تصمیمات مربوط به سرنوشت خود مشارکت کنند، خلاقیت و احساس تعهد آنها افزایش می‌یابد (همان).

✓ در واقع مشارکت یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی پایدار و بهره‌وری محسوب می‌شود؛ بطوریکه از اتلاف هزینه و زمان و دوباره‌کاری‌هایی که بعضاً در عرصه‌ی مدیریت شهری مشاهده می‌شود جلوگیری به عمل می‌آورد. تجربه‌ی دهه‌های اخیر در ایران نشان می‌دهد هر طرحی که بدون توجه به زیرساخت‌های اجتماعی و صرفاً با نگاه مهندسی محور اجرا شده در اکثر موارد به دلیل نارضایتی شهروندان و عدم پذیرش آنها شکست خورده است. برای مثال می‌توان از طرح نواب نام برد که بدون توجه به شرایط اجتماعی منطقه اجرا شد و معضلات زیادی را در آن منطقه و برای ساکنان بوجود آورده است (همان).

✓ نکته‌ی بسیار مهمی که می‌توان در اینجا به آن اشاره کرد این است که مشارکت در یک عرصه می‌تواند موجب تسهیل مشارکت در سایر عرصه‌ها بشود.

✓ در جوامعی که از اقوام مختلف تشکیل شده است، مشارکت اجتماعی می‌تواند مدارای اجتماعی را بالا ببرد و روابط بین اقوام را نیز تسهیل کند.

اگر بخواهیم از زاویه برنامه‌ریزی شهری و طراحی فضا نیز به مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری بنگریم این ایده تایید می‌شود که مشارکت اجتماعی شهروندان در مدیریت شهری یکی بهترین راه‌ها برای توسعه پایدار در شهر است؛ «همچنان‌که وبر<sup>۱۵</sup> نیز که یکی از پرشورترین حامیان طراحی فضاست، معتقد است که باید برنامه ریزان شهری را بیش از پیش از فرایندهای اجتماعی آگاه کرد. اعتقاد وی بر این است که برنامه‌ریز باید

خود را از بعضی نظریه‌های متداول که حاصل الگو و نظمی ساده‌گرایانه هستند، رها سازد و بداند که در پس این نظم ظاهری، سازمان اجتماعی پیچیده‌ای نهفته است (هاروی، ۱۳۷۹: ۶)».

«کولانتونیو<sup>۱۶</sup> که در زمینه پایداری اجتماعی پژوهشی را به انجام رسانده است که در آن ذیل چهار بعد از پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری، که شامل بعد اجتماعی، بعد نهادی-اجتماعی، بعد اجتماعی-اقتصادی و بعد اجتماعی-زیست محیطی است، ۳۸ عرصه را به عنوان موضوعات قابل مطالعه در زمینه ارزیابی پایداری اجتماعی ذکر می‌کند (کولانتونیو، ۲۰۰۷، به نقل از فاضلی، ۱۳۸۹: ۴۲)». وی در ذیل بعد نهادی-اجتماعی به ظرفیت‌سازی، مشارکت و توانمندسازی، اعتماد، سازمان‌های داوطلبانه و شبکه‌های محلی که با عنوان سرمایه اجتماعی نیز شناخته می‌شوند، اشاره می‌کند (همان). موضوع پژوهش حاضر نیز در ذیل این مقوله جا می‌گیرد و اهمیت این پژوهش را به لحاظ پایداری اجتماعی و در زمینه مدیریت شهری و مشارکت شهروندان، نشان می‌دهد.

#### ۴-۱ اهداف تحقیق

الف. شناخت بیشتر ارامنه از نظر اجتماعی-فرهنگی

ب. شناخت کیفیت مشارکت اقلیت ارامنه محله‌ی زرکش در مدیریت امور محله

پ. شناخت موانع و فاکتورهای تسهیل‌گر موثر بر مشارکت ارامنه محله‌ی زرکش در امور مدیریت محله

#### ۵-۱ سوالات تحقیق

۱-۵-۱ پرسش آغازین تحقیق

مشارکت اقلیت ارامنه در زمینه مدیریت امور محله و در رابطه‌ی با شهرداری چگونه است؟

۲-۵-۱ پرسش‌های فرعی

۱- چه ویژگی‌های خاصی در اقلیت ارامنه‌ی محله‌ی زرکش وجود دارد که بر مشارکت آنان در برنامه‌های مشارکتی شهرداری تاثیر گذار است؟

۲- برنامه‌های مشارکتی شهرداری در رابطه‌ی با اقلیت ارمنه‌ی محله‌ی زرکش دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۳- مواجهه‌ی اقلیت ارمنه در رابطه با سازمان شهرداری چگونه است؟

۴- مواجهه‌ی ارمنه در برابر برنامه‌های شهرداری چگونه است و چه برداشتی از این برنامه‌ها دارند؟

## فصل دوم

پیشینه تجربی و نظری تحقیق